مطالعات محیطی هفت حصار شماره بیست و هشتم/ سال هفتم/ تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۶۰-۴۵

ارزیابی مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر)

ابراهیم شریف‌زاده اقدم*، عبداله شیخی**، اکبر حیدری تاشه کبود***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۳۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۲۸

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و شناخت وضع موجود نظام مشارکت شهروندان در حکمروایی شهری پیرانشهر می‌باشد و درواقع در پی پاسخ به این سؤال است که شهروندان تا چه میزان در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری از طریق حکمروایی شهری مشارکت داده‌شده‌اند. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و ازلحاظ ماهیت و روش، توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است. نتایج ارزش‌گذاری شاخص‌ها و زیرشاخص‌های اداره بهینه شهری در مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision نشانگر آن است که شاخص "مشارکت(A)" با امتیاز ۰/۲۳۳، شاخصِ با ارجحیت اول می‌باشد. همچنین، نتایج آزمون پیرسون حاکی از این است که اغلب شاخص‌های موجود در مدل تحقیق، تأثیر معناداری بر میزان مشارکت شهروندی در اداره شهری داشته‌اند. نتیجهٔ اساسی پژوهش، وجود رابطه اساسی بین مسائل شهری و شاخص‌های حکمروایی است، به‌گونه‌ای که بیشترین میزان واریانس با میزان ۲۹/۷۵ مربوط به گویه "مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار" و بعدازآن با واریانس ۱۸/۸۷۴ مربوط به گویه "مشارکت" می‌باشد که ناشی از انگیزه بالای مردم جهت مشارکت و تمایل به یکپارچگی مدیریت پایدار در امور شهری است. در بحث رتبه‌بندی محلات ازلحاظ مدیریت مشارکتی نیز (آزمون کروسکال‌والیس)، "محله ۲۴" با بیشترین امتیاز (۲۳۶/۶۶) رتبه اول را به خود اختصاص داده است. نتایج کلی پژوهش، دال بر این واقعیت است که نادیده گرفتن نظر شهروندان در رابطه با مدیریت شهری و نحوه تصمیم‌گیری مدیران شهری، به‌طور قابل‌توجهی درروند حکمروایی شهری پیرانشهر مؤثر بوده، و همین امر سبب تأثیرات نامتعادلی در نواحی شهری شده است.

واژگان کلیدی

مدیریت شهری، مشارکت شهروندی، حکمروایی خوب شهری، پیرانشهر

* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) ebrahim.sharifzadeh@gmail.com
** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران،تهران، ایران
*** استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر تأکید بر حکمروایی خوب به دلیل تمرکز روبه رشد پژوهشگران بر تحولات بنیادی در سطوح اداری بیشتر شده است تا ساختارهای محلی را از سیطرهٔ ساختارهای ملی رها کرده و جامعهٔ مدنی را به‌سوی مشارکت، آزادی در گفتمان و تصمیم‌سازی رهنمود سازد (لیون[i]،۲۰۰۰: ۴۳). حکمروایی خوب شامل گسترهٔ وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی بوده و به عبارتی، مدل انعطاف‌پذیر تصمیم‌گیری توسط کنشگران متنوع[ii] جامعه در مسائل عمومی است؛ به بیانی دیگر به استقرار شرایط عملی و به‌طور مؤثرترویج مشارکت، اجماع گرایی، پاسخ‌گویی، شفافیت و حاکمیت ارزش‌های قانون تعهد دارد (جانسون[iii]،۲۰۰۷: ۹). درواقع انگاره‌ای است که در سه حیطه نهادها، ساختارها و سازمان‌ها باید حضور و ارتباط فعال داشته باشد، زیرا که برای رسیدن به حکمروایی بهینه باید نهادهای دموکراتیک لازم را ایجاد کنیم (کاظمیان،۱۳۸۶: ۸-۱۷). آنچه بیان شد این رویکرد را در زمره مسائل بحث‌برانگیز قرار داده و باعث شده است که به موضوع چالش‌برانگیزی در عرصه سیاست عمومی تبدیل شود.

در ایران با ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی در شهر، شهرنشینی، کاهش همکاری و تعاون، ضعف در حمایت‌های اجتماعی جامعه محله‌ای در برنامه‌های عمران شهری، رکود و ضعف در امنیت اجتماعی و رسیدگی به امور انتظامی، حفاظت و امنیت و خلاصه عدم مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، در بسیاری از شهرها موجب اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و ناهنجاری‌های شهری گردیده است (شماعی،۱۳۸۳: ۱۱۸) اما در دهه‌های اخیر به جامعهٔ در حال گذار تبدیل‌شده است و با مطرح‌شدن مباحث جدید و خصوصاً وجود شوراها که نشان از حضور نسبی مردم در حکمروایی شهری دارد، گامی برای مشارکت عملی مردم برداشته‌شده است؛ اگرچه عدم استقلال شوراها، مشخص نبودن جایگاه شوراها به‌عنوان نهاد مستقل مدیریتی در سطح محلی، عدم وجود هماهنگی‌های لازم بین نهادهای محلی و سازمان‌های بخش دولتی در برنامه‌ریزی و اجرا، روبرو بوده‌اند. درحالی‌که شوراها می‌بایست با استفاده از فاکتور اختیارات، و با توجه به مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقدام به تهیه استراتژی‌های مناسب، اتخاذ سیاست‌های کارا و هماهنگ و سرمایه‌گذاری‌های صحیح نمایند که در آن مجموعه منافع افراد و مصالح جامعه دیده‌شده باشد؛ لیکن این امر نیازمند تغییر نگرش در ساختار مدیریتی می‌باشد. تغییر نگرش ساختار مدیریتی حکومت‌ها در امر اداره شهری با به‌کارگیری الگوهای شهروندمدارانه از طریق حکمروایی شهری، اداره شهرها را به سمت برنامه‌ریزی ساختاری ـ راهبردی و دوری از نگرش‌های خودکامه-تک بعدی و ایده‌های بالا به پایین، سوق می‌دهد و ضمن تأکید بر مدیریت شورایی بین مدیران شهری باهم[iv] از یک‌سو و نیروهای فعال جامعه مدنی به‌عنوان نیروی تأثیرگذار در فضاهای شهری از سوی دیگر، نیازمند اجماع محوری همه نیروهای شهری برای بالا بردن اثربخشی و عملیاتی کردن رویکرد مردم‌سالارانه در همه نواحی شهری است؛ لذا گرایش به سمت "مدیریت شورایی و شکل‌گیری نهادهای محلی" در جهت بهبود حکمروایی شهری ضروری است. این ضرورت به‌ویژه در شهرهایی که به دلایلی خاص مانند مهاجرپذیری از شهرهای مختلف، دارای خرده‌فرهنگ‌ها و بافت ناهمگن فرهنگی هستند، بیش‌ازپیش احساس می‌شود تا شهروندان بااحساس مقبول واقع‌شدن از سوی مدیریت شهری، خود را صاحبان اصلی شهر دانسته و بدین طریق با افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تعلق مکانی، مدیریت شهری را در یاری‌رساندن به اهداف پیشرو کمک کنند.

شهر پیرانشهر به‌عنوان شهری دارای جمعیتِ با ویژگی‌های متنوع که ناشی از مهاجرت‌های صورت گرفته در چند دهه اخیر[v] بوده، دارای بافت ناهمگن فرهنگی می‌باشد. آنچه در این شهر مشاهده می‌شود، عدم آگاهی و شناخت و در بیشتر موارد برخورد دوگانه مدیریت شهری[vi] با رویکرد حکمروایی شهری و مشارکت به‌عنوان پایه اساسی آن می‌باشد و همین امر، مشارکت شهروندان را در مدیریت شهری این شهر با مسائلی روبرو ساخته است. بر اساس آنچه بیان شد، پژوهش حاضر باهدف کلی بررسی عملکرد مشارکت شهروندان در ارتباط با مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری به نگارش درآمده است تا با بررسی رابطه بین الگوی حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندان در اداره شهر، به شناخت وضع موجود نظام مدیریت شهری پیرانشهر در حکمروایی خوب شهری بپردازد. در رابطه با این اهداف سؤالات و فرضیه‌های ذیل قابل‌طرح است که بدین شرح می‌باشند:

ـ شهروندان پیرانشهر تا چه میزان در تصمیم‌گیری‌های نظام مدیریت شهری از طریق حکمروایی خوب شهری مشارکت داده‌شده‌اند؟

ـ آیا مشارکت شهروندان پیرانشهر در حکمروایی شهری کارایی و اثربخشی داشته است؟

ـ به نظر می‌رسد، بین حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندان در اداره شهری رابطه معناداری وجود دارد.

ـ به نظر می‌رسد، آشفتگی عملکردی مدیریت شهری در فرآیند شکل‌گیری مدیریت مشارکتی ناشی از فقدان استراتژی‌های مصوب و اجرایی است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع پژوهش حاضر تاکنون مطالعاتی در قالب مقاله و پایان‌نامه انجام‌گرفته است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱- پیشینه تحقیق

نویسنده/ سال	عنوان پژوهش	نتایج
آدینه وند و همکاران (۱۳۹۱)	بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمروایی خوب شهری (بابلسر)	در چارچوب الگوی حکمروایی خوب شهری به بررسی عملکرد شهرداری پرداخته که نتایج نشان‌دهنده سطح نامناسب سه مؤلفهٔ مشارکت، پاسخگویی و کارآیی میان شهروندان و شهرداری بوده است.
احمدی کردآسیایی (۱۳۹۱)	ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری در قائم‌شهر	به این نتیجه رسیده است که نابرابری توزیع در دستیابی ساکنین نواحی به خدمات و میزان تخصیص و تحقق هزینه‌ها می‌باشد.
تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸)	درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی	بر این نکته تأکید کرده‌اند که باوجود ساختاری شدن پاره‌ای از مشکلات مدیریت شهری در ایران، تبیین صحیح، نهادینه‌سازی و نگاه راهبردی به موضوع "حکمروایی خوب شهری" کمک می‌کند تا مدیریت پایدار شهری به‌سرعت و امیدواری بیشتری در شهرهای ایران شکل گیرد.
ملاحسنی (۱۳۸۳)	سرمایهٔ اجتماعی در سطح محله (نمونه موردی: محلات شیراز)	عنوان می‌کند که شبکه‌های اجتماعی افراد در سطح محله هرکدام بر تمام ذخیره سرمایه اجتماعی مؤثر است، به‌طوری‌که بُعد کیفی سرمایه اجتماعی یعنی هنجار متقابل و عمل متقابل بیشتر می‌شود؛ بدین معنی که در مشارکت‌های محلی، انجام کارهای داوطلبانه بیشتر می‌شود و در کل، تعلق اجتماعی سرمایه اجتماعی را می‌سازد.
کندی استوارت[vii] (۲۰۰۶)	طراحی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری: ارزیابی اهمیت مشارکت شهروندی در ونکوور بزرگ	تأکید می‌کند که در انتخاب شهرداران و مقام‌های شهری، انجمن‌های مختلف می‌توانند نظرات خود را به‌صورت آزاد و مؤثر بیان کنند و بدین‌صورت انتخاب مدیران شهری بر اساس اجماع گرایی صورت می‌گیرد. وی تنها راه علاج درزمینه بهبود مدیریت شهری را این امر می‌داند.
پریس[viii]/ (۲۰۱۱)	نقد ارتباط بین حکومت مشارکتی و مدیریت محیط‌زیست شهری؛ تجربه آرِکویپا ۲۰۰۳_۲۰۰۶	در مرحله اول، فرایند به‌خودی‌خود مشارکتی بوده و نقش کارگروه‌ها، استفاده از اطلاعات عینی، ارتباط با شهروندان و برخی مسائل مربوط به تسهیلات است. در مرحله دوم، تحلیل‌ها به سمت پاسخگویی جریان می‌یابد و تلاش به ارتباط دادن بین اقدام سیاسی و مذاکرات که در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی صورت می‌گیرد، ختم می‌شود. ثالثاً، بر نهادینه کردن تجربیات قبلی به‌ویژه آن‌هایی که مربوط به محیط‌زیست و آموزش در ارتباط با حکمروایی تأکید می‌کند، اشاره دارد.
فهنل[ix] و همکاران (۲۰۱۳)	چارچوبی برای ارزیابی و طراحی برنامه‌ریزی مشارکتی	برنامه‌ریزی سازمانی می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب، ابزار و منبع الهام‌بخش در طراحی فرآیندهای مشارکتی و ارزیابی آن‌ها مورداستفاده قرار گیرد. از این طریق می‌توان به یک طرح برنامه‌ریزی مشارکتی کارآمدتر و جامع‌تر دست‌یافت.
شریف‌زاده اقدم و اصغری زمانی[x] (۲۰۱۴)	ارزیابی مدیریت مشارکتی در شکل‌گیری محله‌های شهری پایدار (ازنظر زیست‌محیطی)	نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های موجود در پژوهش اثر قابل‌توجهی در افزایش پایداری زیست‌محیطی محله‌های شهری دارد. همچنین نشانگر این واقعیت است که شهروندان بر این باورند مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری و مدیریت شهری مؤثر است و بنابراین باید به‌صورت مثبت و قوی در مدیریت شهری شهرشان شرکت داده شوند.

مبانی نظری پژوهش

مدیریت مشارکتی از دهه ۱۹۵۰م مطرح‌شده است. عمده‌ترین دلیل طرح مدیریت مشارکتی محدودیت‌های ناشی از دیوانسالاری بیش‌ازحد اداری بود که به ایجاد رویکردهای نوین مدیریتی که کلیدی‌ترین جزء آن را کار گروهی و توانمندسازی تشکیل می‌داد، منجر شد (سازمان شهرداری‌ها،۱۳۸۷: ۷۱۰). تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰م به بعد در برنامه‌های توسعه و همچنین توسعه شهری توجه بسیاری به رویکرد مشارکتی شده است؛ تا جایی که در حال حاضر مشارکت شهری رمز موفقیت پروژه‌های توسعه شهری و همچنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری‌ها و شورای شهر) است (برنامه توسعه سازمان ملل متحد[xi]،۲۰۰۲: ۳۵-۳۸).

مدیریت مشارکتی در شهر اصطلاحی عمومی است که به طراحی تدابیری برای نقش دادن به شهروندان در یک زمینه یا منبع خاص اطلاق می‌شود (المودی[xii]،۲۰۰۸: ۲۳). به عبارتی، فرآیند نوینی از مدیریت شهری با تأکید بر نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی و ارائه راهکارهای عملی سهیم شدن مردم در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در نظام مدیریت شهری است. این رویکرد را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان‌یافته و مؤثرِ یکان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

بخش‌های عمومی و خصوصی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست (برنامه توسعه سازمان ملل متحد،۲۰۰۲: ۳۵-۳۸). درواقع، هنگامی‌که مدیریت مشارکتی پا به گستره مدیریت شهری می‌گذارد، می‌توان آن را این‌گونه بیان کرد که "مدیریت مشارکتی شهری یعنی توانمندسازی شهروندان به‌منظور مداخله در فرآیند تصمیم‌گیریِ مدیریت شهری" (صادقی و رهنما،۱۳۹۲: ۱۷۲). آنچه عنوان شد دال بر اهمیت مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر است، تا جائیکه بنا بر اطلاعات بانک جهانی، یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری مربوط است به تقویت دولت‌ها و دیگر سرمایه‌گذاران برای شناسایی مشکلات شهری از طریق مشورت‌هایی که نهادهای شریک در سطح محلی، منطقه‌ای و ملّی را درگیر کند (رهنما و توانگر،۱۳۸۵: ۹۲۲). این گفته زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که دریابیم نهادینه‌سازی روند توانمندسازی اجتماعات برای مشارکت، گامی به‌سوی توسعه پایدار، فراگیر و راستین است (صرافی،۱۳۷۷: ۵) و مدیریت مشارکتی شهری با فراهم آوری زمینه مشارکت شهروندان، علاوه بر تسهیل این امر، به فراهم شدن احساس مالکیت، افزایش روحیه و کاهش مقاومت در برابر تغییر (دارابی،۱۳۸۷: ۱۰)، و پشتیبانی بیشتر از تصمیمات مدیران شهری می‌انجامد. همچنین، سهیم شدن مردم (ساکنان شهرها) در قدرت و اختیار، راه‌یابی مردم به نظارت بر سرنوشت خویشتن و شهر و گشایش فرصت‌های پیشرفت و تحرک بر روی شهروندان در رده‌های پایین جامعه شهری به‌عنوان مهم‌ترین دستاوردهای مشارکتی مطرح‌شده‌اند؛ این امر جز با توسل به رویکردهای نوین مشارکتی مانند حکمروایی شهری قابل‌دستیابی نیست، به این دلیل که پایه و اساس این رویکرد را "مشارکت" تشکیل می‌دهد.کاربرد مفهوم حکمروایی خوب شهری از اواخر دهۀ ۱۹۸۰ در آفریقا آغاز شد (کاظمیان،۱۳۸۶: ۶) و از هنگام مطرح‌شدن آن، تعاریف و برداشت‌های زیادی از آن شده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

مک‌کارنی و همکاران حکمروایی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان (مک کارنی[xiii] و همکاران،۱۹۹۵: ۵) تعریف کرده‌اند. از دیدگاه اُزیاک نیز حکمروایی شهری، بر اهمیت نحوۀ مقبولیت، حقانیت و جاری شدن ارادۀ مدیریت جمعی نزد تمامی شهروندان اصرار دارد (ازیاک[xiv]،۲۰۰۰: ۱۳۴). در یک تعریف کلی می‌توان گفت، "حکمروایی شهری" فرآیندی است چندجانبه میان کنشگران رسمیِ اداره شهر ازیک‌طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به‌عنوان کنشگران غیررسمی که تعاملات چندوجهی آن‌ها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنشگران منجر شود. آنچه در این مفهوم بازنمود دارد، همانا وارد شدن جامعه مدنی و نیز بخش خصوصی به فرآیند برنامه‌ریزی و اداره امور (شهری) است. درمجموع از تعاریف متعددی که از حکمروایی شهری صورت گرفته است می‌توان مبانی مشترک زیر را می‌توان استنتاج کرد:

ـ وجود تلاش‌ها و فعالیت‌های مشترک میان سازمان‌های رسمی توسعه شهری و سازمان‌های غیردولتی.

ـ وجود سازوکارهایی که مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه شهری و شهروندان را ممکن سازد.

ـ وجود تفاهم میان سازمان‌های مختلف تهیه‌کننده و اجراکننده طرح‌های شهری (برک‌پور،۱۳۸۱: ۵۰۲).

کتاب سفید اتحادیه اروپا پنج اصلِ گشادگی و بی‌پردگی، مشارکت، پاسخگویی، کارایی و همبستگی را مشخص‌کنندۀ حکمروایی خوب می‌داند (جانسون،۲۰۰۷: ۱۶). بانک جهانی نیز، ابعاد حکمروایی شهری را چهاراصل مدیریت بخش عمومی، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه و شفافیت و اطلاعات می‌داند (عبدالطیف[xv]، ۲۰۰۳: ۱۷). در کل، آنچه روی آن اجماع بیشتری وجود دارد، شاخص‌هایی است که سازمان ملل آن‌ها را معرفی نموده است:

جدول۲- شاخص‌های ارائه‌شدۀ سازمان ملل برای حکمروایی خوب شهری

شاخص	قانون‌مندی	وجود قوانین کارآمد و رعایت عادلانه آن در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها.
	پاسخگویی	مسئول بودن و حساب پس دهی مسئولان و تصمیم گیران در قبال شهروندان.
	شفافیت	گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، روشن بودن اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود.
	مشارکت	سهیم شدن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری‌های شهری.
	اثربخشی و کار آیی	تأمین نیازها و درعین‌حال بهترین استفاده از منابع.
	پذیرا بودن	پذیرش نیازها و خواسته‌های شهروندان و واکنش و پاسخ مناسب به آن.
	جهت‌گیری توافقی	وجود ارتباط و تلاش میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های دولتی (نماینده گروه‌های مختلف).
	عدالت	فرصت‌های مناسب برای شهروندان جهت ارتقای وضعیت رفاهی، تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم.
	بینش راهبردی	فرا رفتن از مسائل روزمرۀ شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها.
شرح		

(شیخی،۱۳۹۳: ۴۸؛ برک پور،۱۳۸۶: ۵۰۲؛ کمپن[xvi]،۲۰۰۰: ۵۷؛ داگلاس[xvii]،۲۰۰۵: ۲۳۵؛ گانی و دانکن[xviii]،۲۰۰۷: ۳۶۹)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

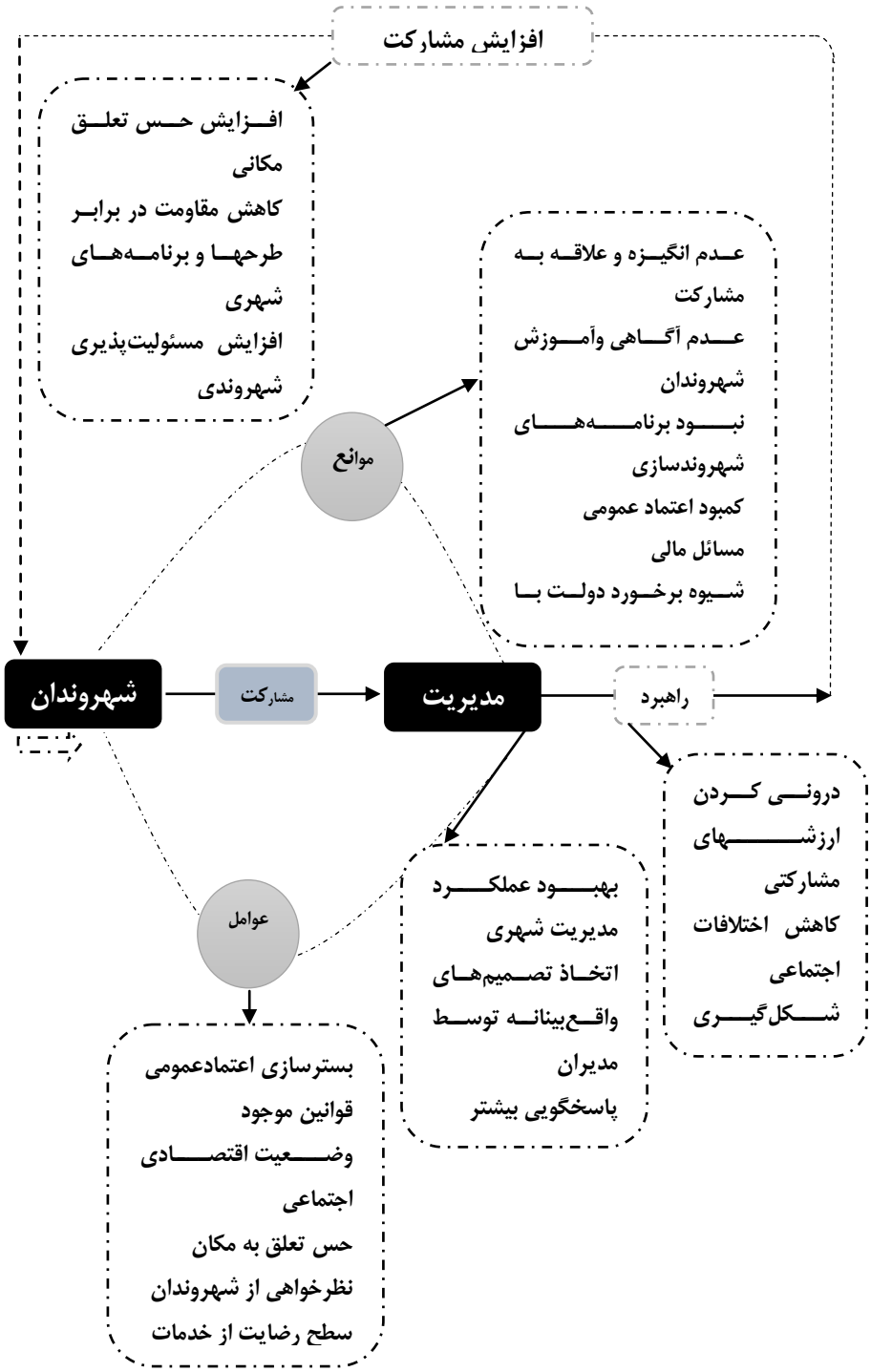
همانظور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌های موجود در الگوی حکمروایی شهری تحت تـأثیر شـاخص مشـارکت قـرار دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. مدیریت مشارکتی و نقش مکملی که به همراه حکمروایی مطلوب شهری در عرصه‌های شهری ایفا می‌کنـد، بـا جهت‌گیری مناسب در مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت، به دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق نهادهای محلی را مـی‌دهـد کـه در آن هدف، مشارکت مردمی است تا این آرمان را که "پاتنام" توسعه سیاسـی در جلـب اعتمـاد میـان مـردم و دولـت‌مـردان و نخبگـان مـی‌دانـد (پاتنم[xix]،۱۹۹۵: ۴۵) بتواند در حکمروایی شهروندمداری، در سطح جامعه شهری معنادار کند و مفهوم شهروندی با آزادی بیان در مدیریت شهری بیشتر چهره عمل‌گرا به خود گیرد. در این مسیر، رابطه بین کنشگران جامعه شـهری بـا مشـارکت دادن نهادهـای گونـاگون جامعـه مـدنی در مدیریت و اداره شهر، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارض‌ها منجر شود و بنابراین، حکمروایان می‌توانند بیشتر بر تصمیم‌گیری تأکید کنند تا خدمات. به‌عبارت‌دیگر دولت باید کمتر اجرا کند و بیشتر رهبری و هـدایت کنـد (اسـبورن[xx] و همکـاران،۱۹۹۳). البتـه در رابطـه بـا چگـونگی مشارکت، اهداف و سیاست‌های آن، دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی هم وجود دارد. دنیل.اچ.استروب در کتاب "توسعه در سـازمان‌دهـی شـهرداری" دیدگاه‌های فلسفی درزمینه مشارکت مردمی را به چهار دیدگاه تقسیم نمود:

جدول ۳- دیدگاه‌های فلسفی درزمینه مشارکت مردمی از دیدگاه دنیل.اچ.استروب

نظریه‌ها	همراه ساختن	در این دیدگاه به دلیل اینکه اصولاً ساکنین محلی و مردم قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا نماینـد، لـذا مشـارکت آنـان تنهـا در جهت کاهش ضدیت آنان با انجام پروژه‌ها از طریق دخالت صوری آن‌ها می‌تواند باشد. به‌عبارت‌دیگر، همراه ساختن ظاهری (و نه واقعی) مـردم در امـر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع توسط آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده.
	مشورتی	بر اساس این دیدگاه برخلاف نظریه همراه ساختن بر این عقیده است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه ریزان و سیاسـت‌گـذاران درزمینـه منـافع عمـوم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی که به طبقه متوسط تعلق داشته (دیدگاه غرب) و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پـایین جامعـه باشـد. لـذا ارتبـاط مردم و شهروندان جهت آشنایی با افکار و ارزش‌های آن‌ها یکی از مقتضیات برنامه‌ریزی می‌باشد. نظریه مشورتی بر سه روند تأکید دارد که عبـارت‌انـد از: الف) اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود ب) اخذ نظرات شهروندان ج) لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه‌های نهایی (رجبی،۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۰۶).
	درمان‌ناپذیر اجتماعی	ارتقاء وضعیت شهروندان به‌وسیله آموزش که از طریق مشارکت به آن‌ها داده می‌شود و تربیت شهروندان مسئول که بتوانند با آزادی و دموکراسی کـه در اختیارشان قرار می‌گیرد سرنوشت خویش را به سمت بهینه‌ای رهنمون سازند. اساس این نظریه درواقع دموکراسی می‌باشد. افراد معتقد به این نظریـه بـر این باورند که مشارکت مردمی زمینه آموزشی مناسبی جهت تربیت شهروندان در محله یا محدوده‌ای که مشارکت در آن صورت می‌پذیرد، مهیا می‌سـازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل نمودن ساکنین محلی در برنامه‌ها می‌توان بر آن‌ها تأثیرگذار بود و شهروندان مـی‌تواننـد بـا آموزش قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را به دست بیاورند. به‌عبارت‌دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبـود وضـع آنـان خواهد بود. این مدل را "مدل یادگیری اجتماعی" نیز می‌دانند. از مبتکرین این نظریه می‌تـوان جـان فریـدمن را نـام بـرد مـه معتقـد اسـت بایـد بـین برنامه‌ریزان به‌عنوان وکلای مردم و مردم به‌عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند و زبان علمی برنامه ریزان به مردم و زبان واقعیت‌های عملـی مـردم بـه برنامه ریزان آموزش داده شود و این کار از طریق ارتباط رودررو و شفاهی بـین برنامـه‌ریـز و مـردم فاصـله ایـن دو قشـر را از بـین مـی‌بـرد (انـدروز و هرشل[xxi]،۱۹۹۷).
	قدرت جامعه	بر اساس این نظریه، افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتمـاعی (و همچنـین مزایـایی کـه حاصـل از قـدرت اجتمـاعی هسـت) بـه دورافتاده‌اند، بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری ما دخالت داشته و دخیل باشند. این نظریه به‌طورکلی به‌صورت رادیکال مطرح‌شده و با نظریـه‌هـای دیگـر متفاوت است. بر اساس این نظریه به‌طور عمده دو رویکرد در عملکرد و نقش حکومت‌های محلی وجود دارد: رویکرد اول بر مردمی‌تر نمودن هرچه بیشتر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افـراد محلـی در هیئـت‌هـای سیاسـت‌گـذاری مسـتقل در منـاطق کم‌درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد. رویکرد دوم نیز باهدف افزایش کنترل شهروندان، سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی کوشا در سطح محلی دارد (حناچی،۱۳۷۹: ۸۴).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساختی مشارکت، پذیرش اصل برابری در فرصت‌ها برای مردم است. بر مبنای همین اصل و بـر اسـاس آنچـه تـاکنون بیان شد، محور پژوهش حاضر به سمت نظریه مشورتی گرایش دارد، و درروند انجام پژوهش بر همین مبنا طیف‌های متنـوع سـاکن در شـهر مورد پرسشگری قرارگرفته‌اند تا دیدِ نسبتاً جامعی از نحوه مشارکت شهروندی و چگونگی مشارکت دادن آن‌ها به دست آید.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی و به لحاظ روش و ماهیت، توصیفی ـ تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسشنامه به‌صورت پاسخ بسته و در قالب طیف لیکرت بوده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ساکن شهر پیرانشهر در سال ۱۳۹۵ می‌باشند که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای استاندارد ۵٪ استفاده‌شده و

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

بدین ترتیب حجم جامعه نمونه ۳۸۲ نفر برآورد گردیده است. روش نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری تصادفی است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS[1] و همچنین برای تصویرسازی نتایج از نرم‌افزار ArcGis استفاده‌شده است.

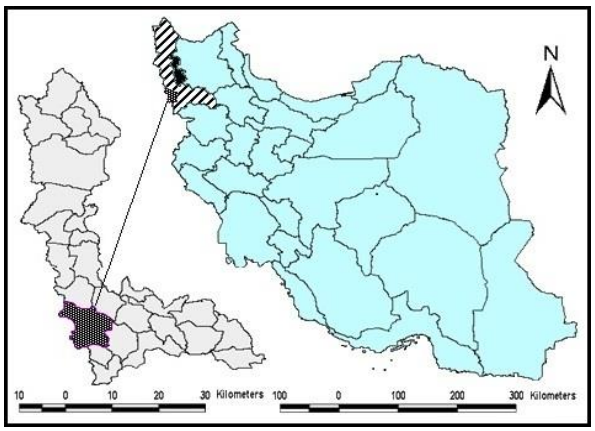
قبل از پرداختن به دو متغیر اصلی تحقیق با استفاده از آزمون‌های آماری و تحلیل شاخص‌های بکار رفته، ارجحیت شاخص‌ها و زیرشاخه‌ها با استناد به نظرات ۸ نفر از متخصصین مربوطه ارزیابی گردید. بدین‌صورت که با استناد به وزن دهی شاخص‌ها توسط کارشناسان و با بهره‌گیری از فرآیند تحلیل شبکه (ANP) در محیط نرم‌افزاری Super Decision از طریق مقایسه زوجی ارجحیت شاخص‌ها تعیین گردید. برای تعریف عملیاتی مدیریت مشارکتی و اثرپذیری آن در حکمروایی بهینه شهری، از شش شاخص (جدول۴) استفاده گردیده و برای هر شاخص گویه‌هایی در نظر گرفته‌شده است. این شاخص‌ها از تعداد زیادی از شاخص‌های مختلف که محققان (تئوری‌ها و تحقیقات تجربی) استفاده کرده‌اند، استخراج گردیده‌اند. در بیشتر گویه‌های انتخاب‌شده برای شاخص‌های تحقیق، از تحقیقات داخلی و خارجی به‌ویژه شاخص‌های استاندارد حکمروایی پایدار شهری در سطح جهانی استفاده‌شده است؛ البته در تحقیقات داخلی نیز از تعدادی این گویه‌ها استفاده گردیده است.

جدول۴- شاخص‌های بکار رفته در پژوهش

شاخص	مشارکت	انتخاب شورا، تصمیمات گروهی، تصور عملی، رأی دادن
	اعتماد	تعهدات مدیران، ارائه خدمات، انجام انتخابات
	پاسخگویی	رضایتمندی، شفافیت پذیری، امور بازبینی مستقل، قانون عملکردی
	اجتماع‌محوری	یادگیری تعامل، رابطه و تعامل، رضایت از منافع جمعی، توافق جمعی، دستیابی به توافقات
	عدالت‌محوری	حقوق شهروندی، عدالت جنسیتی، برابری تخصیص، عدالت زمانی، برابری فرصت‌ها
	کارایی و اثربخشی	دائمی بودن فعالیت، بهبود شیوه مردم‌داری، افزایش کارآفرینی، بهبود فرآیند
زیرشاخه‌ها		

محدوده مورد مطالعه

شهر پیرانشهر به‌عنوان مرکز سیاسی شهرستان پیرانشهر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی و در ۱۲ کیلومتری مرزهای جمهوری اسلامی ایران با عراق (حکومت خودمختار کردستان عراق) واقع‌شده است. این شهر از شمال به اشنویه و نقده، از جنوب به سردشت و از شرق به مهاباد محدود است (شیخی،۱۳۹۳: ۱۲۱). جمعیت شهر پیرانشهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۵۹۷۲۱ نفر بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۷۲۷۲۲ نفر افزایش‌یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰).



تصویر ۲- جایگاه جغرافیایی شهرستان پیرانشهر در استان آذربایجان غربی

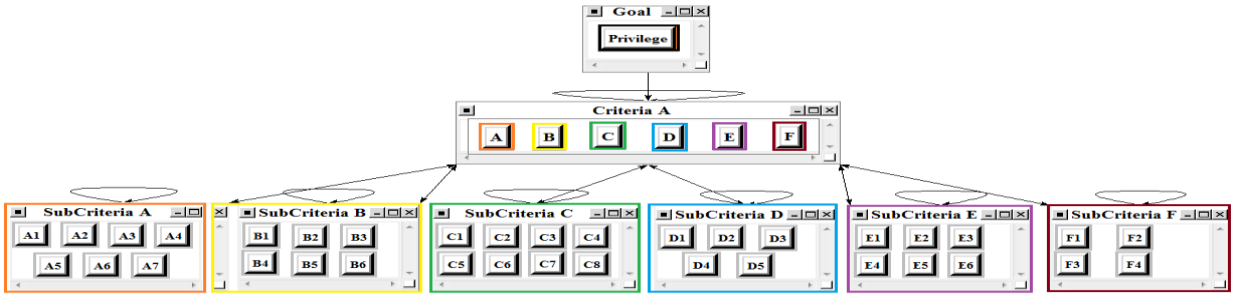
۱- در spss، اگر هدف خلاصه کردن تعدادی شاخص به عوامل معنی‌داری باشد، از تحلیل عاملی نوع R استفاده می‌گردد؛ اما در صورتی که هدف، ترکیب و تلخیص تعدادی از مکان‌ها و نواحی جغرافیایی در گروه‌های همگن در درون یک سرزمین باشد، از تحلیل عاملی نوع Q باید استفاده شود. در مطالعات جغرافیایی، تحلیل عاملی نوع R بیشتر برای سطح‌بندی مناطق، شهرها و روستاها به‌کاربرده می‌شود که در این پژوهش از آزمون فوق جهت سطح بندی شاخص‌های مدیریت مشارکتی و میزان مشارکت شهروندان در اداره شهری استفاده شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

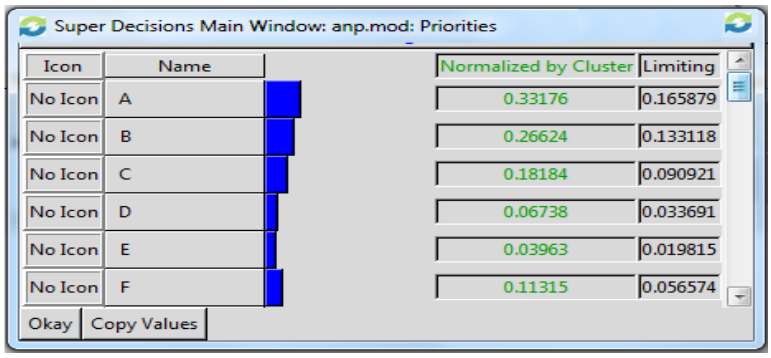
یافته‌های پژوهش

سنجش ارجحیت شاخص‌های به‌کاررفته در پژوهش با استفاده از مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision قبل از پرداختن به داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و تحلیل آن‌ها، ابتدا شاخص‌های پژوهش با توجه به اهمیتی که دارند با استفاده از مدل ANP امتیازدهی شده و ارجحیت شاخص‌ها نسبت به هم مشخص گردیده است. بدین منظور شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها توسط متخصصین ارزش‌گذاری شده و سپس این ارزش‌ها(نمره‌ها) به مدل ANP در نرم‌افزار Super Decision انتقال داده‌شده و از طریق مقایسه زوجی شاخص‌ها و زیرشاخه‌ها، ارزش و اهمیت نسبی هرکدام به دست آمد که فرآیند کلی در شکل۳ و نتایج حاصل از کاربرد مدل، در شکل۴ و جدول۵ آمده است.

لازم به ذکر است که در حالت تخصصی و پرسش از متخصصان شهری تنها از شاخص‌های استاندارد استفاده‌شده است. اما در پرسشنامه شهروندان با توجه به وضعیت حکمروایی شهری در ایران و وجود نهادی به‌عنوان شورا جهت یکپارچگی مدیریت شهری، پیشنهاد متخصصان و با توجه به مطالعات پیشین و تخصص نگارندگان درزمینه مدیریت شهری شاخصی با عنوان یکپارچگی مدیریت پایدار در ارتباط با دو متغیر اصلی تحقیق طرحی شده است، تا هم به‌عنوان الگویی جدید در مدیریت شهری ایران و هم شاخصی برای دیگر مطالعاتی باشد که در آینده در این زمینه کار خواهند شد.



تصویر ۳- شاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)



تصویر ۴- ارجحیت شاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)

جدول۵- ارجحیت زیرشاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)

شاخص	اختصار	زیرشاخص	امتیاز
مشارکت (A)	A1	گرفتاری‌های کار مشارکتی کمتر نتیجه دادن آن	۰/۱۳۱
	A2	بهتر بودن تصمیمات فردی از تصمیمات	۰/۰۹۶
	A3	پیشرفت امور شهری در تعامل میان شهروندان و مدیران	۰/۱۴۸
	A4	مشارکت در مراسم‌ها	۰/۱۱۲
	A5	مشارکت در طرح‌ها	۰/۱۸۱
	A6	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله	۰/۱۲۵
	A7	تصور شهروند از مشارکت عملی	۰/۲۰۴
	B1	پاسخ‌گویی مدیران در قبال امورات محله.	۰/۲۰۳
	B2	واکنش مردم در مقابل کارای بدون مشورت مسئولان.	۰/۱۶۳

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

پاسخ‌گویی (B)	B3	به انجام رساندن پروژه‌ها قبل تعامل مردم	۰/۱۳۶
	B4	ارزیابی الگوی شورا یاری	۰/۲۶۴
	B5	مشارکت مردم در جلسات محله	۰/۱۱۰
	B6	رضایت مردم از نحوه‌ی پاسخ‌گویی مدیران	۰/۱۲
اعتماد (C)	C1	عدم مشارکت بر نتیجه انتخابات شورای شهر و شهرداری	۰/۰۹۱
	C2	ظاهری بودن انتخابات شوراها	۰/۰۹۹
	C3	با شرکت در شورای شهر و انداختن یک رأی، هیچ تأثیری بر نتیجه انتخابات نمی‌توان گذاشت.	۰/۰۸۳
	C4	موفق نبودن شورا در نظم آرامش شهر	۰/۱۰۳
	C5	تبعیض گذاشتن بین مناطق شهری	۰/۱۶۲
	C6	نبود خدمات مناسب در قبال عوارض دریافتی	۰/۱۲۳
	C7	واضع نبودن مدیران شهری در مسائل شهری	۰/۱۲۰
	C8	عدم تعهد مدیران در اجرای کارها	۰/۲۱۵
اجماع محوری (D)	D1	بهتر نتیجه دادن کار شراکتی و جمعی از کار فردی و انفرادی ۰	۰/۱۳۷
	D2	بیشتر نتیجه دادن جنبه موفقیتی فعالیت‌ها و تصمیمات گروهی از فعالیت‌ها و تصمیمات فردی	۰/۱۵۲
	D3	همفکری و هم‌سویی مدیران شهری با مردم برای خدمات‌رسانی مؤثرتر	۰/۲۳۱
	D4	پیشرفت همگانی باید بین مدیران محله‌ها و منطقه دیگر یک رابطه و صمیمی و همفکری	۰/۲۴۱
	D5	هرچه تعامل و رابطه بین مدیران شهری و یا نهادهای مدنی و دولتی بیشتر باشد اتفاق‌نظر و توافق جمعی بیشتر	۰/۲۳۷
عدالت محوری (E)	E1	توزیع عادلانه منابع و امکانات	۰/۲۶۲
	E2	کارایی زنان در امور اجرایی و مدیریتی	۰/۱۶۹
	E3	عدالت در بعد زمانی	۰/۱۷۴
	E4	تبعیض در اشتغال‌زایی بین زنان و مردان	۰/۱۱۸
	E5	بیشتر بودن میزان مشارکت طبقات درآمدی بالا نسبت به طبقات درآمدی پایین	۰/۱۶۵
	E6	توجه مسئولین به منافع جمعی تا فردی	۰/۱۰۹
کارایی و اثربخشی (F)	F1	میزان مشارکت مردمی و استفاده از تجربه و تخصص شهروندان	۰/۱۸۱
	F2	اعتقاد مدیران به بهبود شیوه‌های مردم مداری	۰/۳۴۳
	F3	اراده مدیران در بهبود کارها بر اساس دانش بومی و جدید	۰/۲۶۱
	F4	مستمر و دائمی بوده فعالیت‌های مدیران شهری برای عمران و آبادی شهر	۰/۲۱۱

بر اساس نتایج ارزش بندی شاخص‌ها و زیرشاخه‌ها در مدل ANP، شاخص‌های مشارکت (A) و پاسخگویی (B) به ترتیب با ۰/۳۳۱ و ۰/۲۶۶ امتیاز به‌عنوان باارزش‌ترین شاخص انتخاب‌شده‌اند. باارزش‌ترین زیر شاخص نیز در هر شاخص بدین ترتیب است: مشارکت(A7)، پاسخگویی(B4)، اعتماد(C8)، اجماع محوری(D4)، عدالت محوری(E1) و کارایی و اثربخشی(F2).

پس‌ازاینکه به ارزیابی شاخص‌ها و زیرشاخه‌های اداره بهینه شهری و ارجحیتشان پرداخته شد، در این بخش از یافته‌های تحقیق به بررسی اثرات مدیریت مشارکتی پرداخته خواهد شد. یافته‌های تحقیق در نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام‌شده است.

همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل: پس از آگاهی از وضعیت اداره بهینه شهری و میزان مدیریت مشارکتی در محدوده موردمطالعه و رتبه‌بندی محله‌ها، برای آزمون فرضیه بعدی که هدف آن شناختن رابطه بین این دو متغیر، جهت رابطه و شدت رابطه است، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان‌دهنده رابطه معنادار و بالایی بین رهیافت مدیریت مشارکتی است. داده‌های آماری حاصل از پرسشنامه‌های شهروندان (۳۸۲ مورد) نشان از وجود رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر تحقیق دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری بین دو متغیر مدیریت مشارکتی و حکمروایی بهینه شهری کمتر از ۰/۵۰ (مقدار آلفا ۰/۰۰۰) بوده و بنابراین رابطه‌ی قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر با میزان ۰/۲۶۳ وجود دارد. پس با توجه به یافته‌های حاصل از جدول۶ می‌توان اثبات کرد که هرچه شیوه اداره شهر بهینه‌تر باشد میزان مدیریت مشارکتی بهتر خواهد بود و بالعکس با کاهش اداره خوب شهری میزان مدیریت مشارکتی شهروندان نیز کاهش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، درنتیجهٔ وجود همبستگی مستقیم بین دو متغیر پژوهش، با افزایش Y افزایش X را نیز خواهیم داشت.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

جدول۶- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل

مؤلفه‌ها	آزمون پیرسون	مدیریت مشارکتی	حکمروایی شهری	سطح معناداری
مدیریت مشارکتی	ضریب همبستگی	۱/۰۰	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
	معناداری	-	۰/۰۰۰	
حکمروایی شهری	ضریب همبستگی	۰/۲۶۳	۱/۰۰	
	معناداری	۱/۰۰	-	

به‌منظور دسته‌بندی روابط بین متغیرها و میزان اثرپذیری مدیریت مشارکتی در اداره حکمروایی بهینه شهری و برای تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر یک از متغیرها در قالب عوامل دسته‌بندی‌شده، از تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین به‌منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده‌شده است که مقدار آن همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. درصورتی‌که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد نوع داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد می‌توان بااحتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت. اما درصورتی‌که مقدار آن بالای ۰/۷۰ باشد همبستگی بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌های مشاهده‌شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای وابسته است، می‌آزماید. برای آنکه یک مدل تحلیل عاملی مفید و دارای معنا باشد لازم است متغیرها همبسته باشند.

جدول۷- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معناداری

	مقدار KMO	آزمون بارتلت	df	سطح معناداری
رابطه بین مشارکت شهروندان و حکمروایی خوب شهری	۰/۷۶۲	۶۱۱۵/۶۸۲	۱۴۳۱	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود مقدار KMO با ۰/۷۶۲ بالای ۰/۷۰ است و میزان همبستگی بالای متغیرها را برای آزمون مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد. معنی‌دار بودن آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹٪ و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی بالای متغیرها می‌باشد. همراه با دوران عامل‌ها، محقق باید از طریق انتساب متغیرها به عامل‌ها به استنتاج مفهومی بپردازد. بدین معنی که باید به هر یک از مجموعه متغیرهایی که بر یک عامل تعلق‌گرفته‌اند، مفهومی عام تعیین کرد تا بتوان به تفسیر آن‌ها پرداخت. از طریق همین فرایند است که محقق با استفاده از تحلیل عاملی، تعداد زیادی متغیر را در چند عامل خلاصه کرده و نام عمومی برای آن تعیین می‌کند تا بتواند به تلخیص داده‌ها که از اهداف اساسی این تکنیک آماری است دست یابد.

جدول۸- عوامل استخراج‌شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها

شماره	عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	مدیریت و تصمیم‌گیری	۲/۰۸۳	۲۹/۷۵۸	۲۹/۷۵۸
۲	مشارکت	۱/۳۲۱	۱۸/۸۷۴	۴۸/۶۳۲
۳	پاسخ‌گویی	۱/۰۵۹	۱۵/۱۲۵	۶۳/۷۵۷
۴	اعتماد	۰/۰۷۶۸	۱۰/۹۷۲	۷۴/۷۳
۵	اجماع محوری	۰/۶۵۴	۹/۳۳۹	۸۴/۰۶۹
۶	عدالت محوری	۰/۵۸۷	۸/۳۸۱	۹۲/۴۵
۷	کارایی و اثربخشی	۰/۵۲۹	۷/۵۵	۱۰۰

عوامل استخراج‌شده مجموعه مورد تحلیل، یعنی اثرات حکمروایی خوب در مدیریت مشارکتی، همراه با اقدام ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۸ ارائه‌شده است. لازم به ذکر است که به‌منظور استخراج و دسته‌بندی عوامل، از معیار مقدار ویژه استفاده گردیده است. با توجه به نتایج به دست آماده جدول۷، عامل مدیریت و تصمیم‌گیری از بین ۶ عامل

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

استخراجی که تحت عنوان عامل مدنظر محقق است دارای میزان بیشتری است که مقدار درصد واریانس و مقدار ویژه در جدول۸ روشن است که به عامل اول و دوم به ترتیب تصمیم‌گیری و مشارکت بیش‌ترین درصد را با ۱۸/۸۷ و ۱۵/۱۲۵ با مقدار ویژه ۱/۳۳ و ۱/۰۵۹ به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به‌دست‌آمده از مدل تحلیل عاملی

عوامل	متغیرها	بار عاملی
مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار	اعتقاد ساختار مدیریت شهری به مشارکت مردم در حل مشکلات شهری.	۰/۶۵۹
	فعالیت‌های مدیریت فعلی شهر در رابطه با خواست‌های شهروندان	۰/۳۶۶
	اطلاع از برنامه‌های شهری و نحوه‌ی اجرای آن‌ها	۰/۷۸۶
	اهل تبادل‌نظر کردن و مشورت کردن مدیران با اهالی شهر یا محله	۰/۳۴۵
	میزان تصمیم‌گیری‌های مربوط به امورات محله با همفکری و مشورت با مردم محله	۰/۴۴۷
	اهمیت مدیران شهر به مشارکت کردن در فعالیت‌های عام النفعه	۰/۴۵۱
	تشویق مردم شهر در مشارکت سیاسی	۰/۴۸۵
	مشارکت مدیران در کارهای اجرایی و عمرانی	۰/۵۶۹
مشارکت	گرفتاری‌های کار مشارکتی و کمتر نتیجه دادن آن	۰/۸۸۹
	بهتر بودن تصمیمات فردی از تصمیمات گروهی	۰/۴۶۸
	پیشرفت امور شهری در تعامل میان شهروندان و مدیران	۰/۴۴۳
	مشارکت در مراسم‌ها	۰/۳۶۴
	مشارکت در طرح‌ها	۰/۵۸۲
	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله	۰/۵۲۹
	تصور شهروند از مشارکت عملی	۰/۴۶۵
پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی مدیران در قبال امورات محله.	۰/۶۷۴
	واکنش مردم در مقابل کارهای بدون مشورت مسئولان.	۰/۳۱۷
	به انجام رساندن پروژه‌ها قبل از تعامل با مردم	۰/۳۹
	ارزیابی الگوی شورایاری	۰/۵۳۵
	مشارکت مردم در جلسات محله	۰/۴۴۷
	رضایت مردم از نحوه پاسخ‌گویی مدیران	۰/۷۵۲
اعتماد	عدم مشارکت بر نتیجه انتخابات شورای شهر و شهرداری	۰/۴۳۷
	ظاهری بودن انتخابات شوراها	۰/۵۴۷
	با شرکت در شورای شهر و انداختن یک رأی، هیچ تأثیری بر نتیجه انتخابات نمی‌توان گذاشت.	۰/۳۶۲
	موفق نبودن شورا در نظم آرامش شهر	۰/۴۸۲
	تبعیض گذاشتن بین مناطق شهری	۰/۴۵۳
	نبود خدمات مناسب در قبال عوارض دریافتی	۰/۵۸۴
	واضع نبودن مقاصد مدیران شهری در مسائل شهری	۰/۶۷
	عدم تعهد مدیران در اجرای کارها	۰/۷۴

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

اجماع محوری	بهتر نتیجه دادن کار شراکتی و جمعی از کار فردی و انفرادی	۰/۵۵۵
	بیشتر نتیجه دادن جنبه موفقیتی فعالیت‌ها و تصمیمات گروهی از فعالیت‌ها و تصمیمات فردی	۰/۵۳
	همفکری و هم‌سویی مدیران شهری با مردم برای خدمات‌رسانی موثرتر	۰/۷۰۱
	حاصل شدن پیشرفت همگانی بین مدیران محله‌ها و مناطق دیگر با یک رابطه و صمیمی و همفکری	۰/۵۷۳
	هرچه تعامل و رابطه بین مدیران شهری یا نهادهای مدنی و دولتی بیشتر باشد، توافق جمعی بیشتراست.	۰/۵۶۲
عدالت محوری	توزیع عادلانه منابع و امکانات	۰/۶۷۶
	کارایی زنان در امور اجرایی و مدیریتی	۰/۷۵۱
	عدالت در بعد زمانی	۰/۵۵
	تبعیض در اشتغال‌زایی بین زنان و مردان	۰/۵۳۲
	بیشتر بودن میزان مشارکت طبقات درآمدی بالا نسبت به طبقات درآمدی پایین	۰/۸۰۳
	توجه مسئولین به منافع جمعی تا فردی	۰/۵۴
کارایی و اثربخشی	میزان مشارکت مردمی و استفاده از تجربه و تخصص شهروندان	۰/۴۷۱
	اعتقاد مدیران به بهبود شیوه‌های مردم مداری	۰/۶۳۹
	اراده مدیران در بهبود کارها بر اساس دانش بومی و جدید	۰/۵۴۳
	مستمر و دائمی بوده فعالیت‌های مدیران شهری برای عمران و آبادی شهر	۰/۳۱۳

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در عامل اول مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار و یکپارچه (۸ شاخص)، با میزان همبستگی ۰/۷۸۶ به‌تنهایی میزان ۲۵/۷۵ درصد از واریانس‌ها را نیز به خود اختصاص داده است و بنابراین، این عامل را با توجه به اهمیت ویژه آن می‌توان معنادارترین عامل در تحلیل صورت گرفته دانست. بر این اساس، شهروندان اهمیت زیادی برای رابطه متقابل با ترجمان‌های مدیریتی قائل هستند و به نحوه‌ی همکاری بین نهادها، نهادینه کردن مدیریت شورایی و شکل اطلاع‌رسانی حساسیت بیشتری را نشان داده‌اند که خود نمودی بر متأثر بودن آن‌ها از گذر حکمروایی شهری در پیرانشهر طی چند سال گذشته است.

عامل دوم نیز که در بین شاخص‌های مطرح‌شده بیش‌ترین میزان همبستگی را (۰/۸۸۹) دارا می‌باشد، با بالاترین سطح میزان همبستگی در بین کل شاخص‌ها، میزان ۸۷/۱۸ درصد از واریانس‌ها را به خود اختصاص داده است. عامل سوم که شاخص میزان پاسخ‌گویی می‌باشد، بیش‌ترین میزان همبستگی در متغیر نحوه عدم رضایت ساکنین از اعمال اجرایی با ۰/۷۵۲ باارزش ویژه ۱/۰۵۹ و میزان ۱۵/۱۲۵ درصد واریانس را دارا می‌باشد. به دنبال روند افزایش آگاهی شهروندی از حق خود نسبت به شهر و حکمروایی آن، توقع شهروندان به‌مرورزمان نسبت به نقششان در ساماندهی امورات محله و شهر افزایش‌یافته و خواهان پاسخگویی مسئولان در اقدامات اجرایی هستند.

شاخص اعتماد به‌عنوان چهارمین عامل، با بیش‌ترین میزان همبستگی در متغیر تعهد مدیران در اجرای کارها، با ۰/۷۴ میزان همبستگی و ۱۰/۹۲ درصد از واریانس دارای همبستگی بالایی در بین شاخص‌ها می‌باشد؛ عامل‌های پنج و شش و هفت نیز به ترتیب با میزان همبستگی‌های ۰/۷۰۱، ۰/۸۰۳ و ۰/۶۳۹ دارای سطح معناداری مناسب از همبستگی می‌باشند.

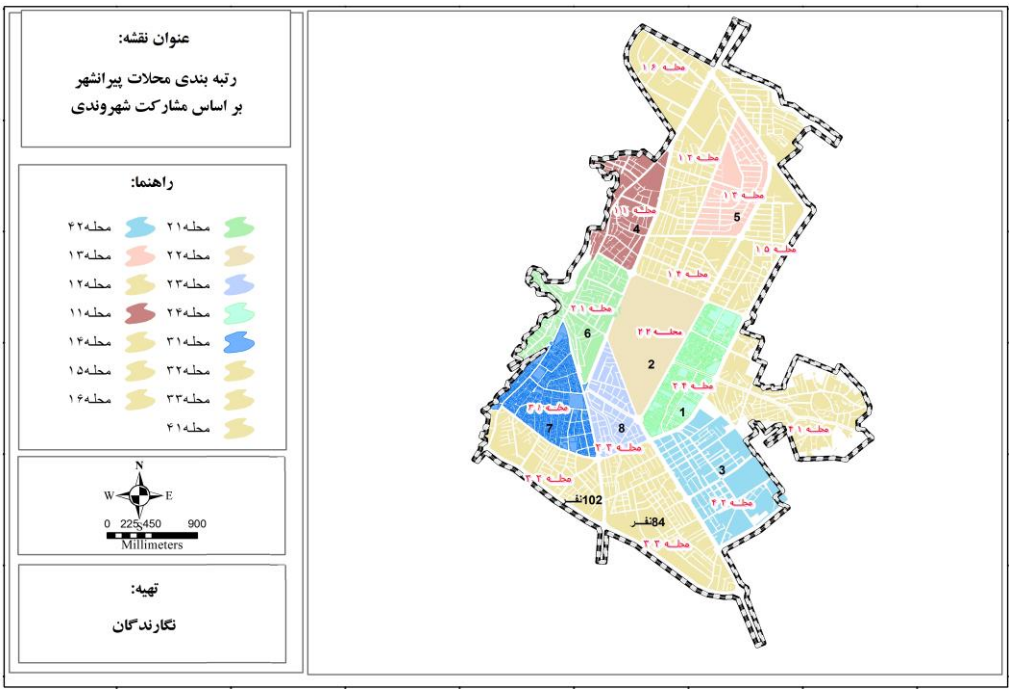
آزمون میانگین کروسکال‌والیس: این آزمون مقادیر نمونه‌ها را یکجا به‌صورت نزولی یا صعودی مرتب و سپس با توجه به رابطه بین متغیرها و میزان سطح اهمیتشان نسبت به هم آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کند. نتایج آزمون کروسکال‌والیس در محله‌های پیرانشهر بیانگر این مطلب است که محله ۲۴ با بیشترین میزان مشارکت شهروندی (۲۳۶/۶۶) در رتبه اول و پس‌ازآن محله‌های ۴۷ و ۴۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این در حالی است که کمترین میزان مشارکت مربوط به محله‌های ۱۴ و۳۱ است که از مناطق ناپایدار شهری هستند و عمدتاً افراد با درآمد پایین در این بخش از شهر زندگی می‌کنند. نتایج این آزمون نشانه بارزی از وضعیت نامطلوب اقدامات ارگان‌های مدیریتی و دولتی در برخی مناطق شهر است که عمدتاً نشان از بی‌عدالتی، عدم کارایی و اثربخشی، نبود شفاف‌سازی و پایین بودن مسئولیت‌پذیری مدیران می‌باشد که به تبعیض در ارائه خدمات شهری در بخش‌های مختلف شهر منجر شده است؛ اما درنهایت با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است آزمون در سطح ۰/۹۹ به تأیید می‌رسد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

جدول ۱۰- نتایج محاسبات آزمون کروسکال والیس

مشارکت شهروندان در حکم روایی شهری	فراوانی	ارزش	رتبه
محله ۱۴	۴۹	۱۵۷/۴۷	۸
محله ۳۱	۶۰	۱۶۸/۸۶	۷
محله ۴۲	۴۶	۲۰۷/۵۹	۳
محله ۲۲	۴۷	۲۱۸/۹۳	۲
محله ۱۳	۴۰	۱۸۷/۹۵	۵
محله ۲۱	۴۴	۱۷۸/۳۹	۶
محله ۲۴	/۳۸	۲۳۶/۶۶	۱
محله ۱۱	۵۸	۱۹۲/۳۰	۴
	۳۸۲		

Chi-Square 18.284, df 7, sig 0/01



تصویر ۵- رتبه‌بندی محلات پیرانشهر بر اساس مشارکت شهروندی

نتیجه‌گیری

مدیریت مشارکتی شهری یعنی توانمندسازی شهروندان به‌منظور مداخله در فرآیند تصمیم‌گیریِ مدیریت شهری و ارائه راهکارهای عملی سهیم شدن مردم در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا درواقع به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان‌یافته و مؤثرِ یکان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری است. اهمیت مشارکت در مدیریت شهری به‌اندازه‌ای است که بانک جهانی آن را به‌عنوان یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری دانسته است. این امر (مشارکت) علاوه بر اینکه گامی به‌سوی توسعه پایدار و فراگیر است، در حال حاضر رمز موفقیت پروژه‌های توسعه شهری و همچنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری و ارکان آن نیز است. مجموعه عوامل یادشده ضرورت توجه اساسی به مفهوم مدیریت مشارکتی را مطرح می‌سازد. بر همین مبنا در پژوهش حاضر به ارزیابی مشارکت شهروندی در شهر پیرانشهر و نقش آن در حکمروایی بهینه شهری پرداخته شد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

بر اساس نتایج ارزش‌گذاری شاخص‌ها و زیرشاخه‌های مدیریت مشارکتی در مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision، شاخص‌های مشارکت (A) و پاسخگویی (B) به ترتیب با ۰/۳۳۱ و ۰/۲۶۶ امتیاز به‌عنوان باارزش‌ترین شاخص انتخاب‌شده‌اند. باارزش‌ترین زیر شاخص نیز در هر شاخص بدین ترتیب می‌باشد:
مشارکت(A7)، پاسخگویی(B4)، اعتماد(C8)، اجماع محوری(D4)، عدالت محوری(E1) و کارایی و اثربخشی(F2).
نتایج حاکی از این واقعیت است که مدیریت شورایی پیرانشهر در سطح مطلوبی قرار ندارد و نتوانسته است بر اساس معیارهای مصوب کشوری و استانداردهای جهانی اداره شود. نارضایتی مردم از روند برنامه‌های اجرایی و روند کاهشی ساخت بازارچه شهری و برنامه‌های توریستی و فضای سبز و مبلمان شهری در چند سال اخیر شاهدی بر ادعای نبود مدیریت پایدار و شوراهای کارآمد در طول این چند سال می‌باشد؛ اگرچه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری بین دو متغیر مدیریت مشارکتی و حکمروایی بهینه شهری کمتر از ۰/۵۰ (مقدار آلفا ۰/۰۰۰) بوده و بنابراین رابطه‌ی قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر با میزان ۰/۲۶۳ وجود دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت که هرچه شیوه اداره شهر بهینه‌تر باشد میزان مدیریت مشارکتی بهتر خواهد بود و بالعکس با کاهش اداره خوب شهری، میزان مدیریت مشارکتی شهروندان نیز کاهش می‌یابد که این جریان در نمونه موردمطالعه باوجود عدم حکمروایی بهینه و نبود یکپارچگی و ضعف مدیریت شهری بین نهادهای مدیریتی، سبب کاهش مشارکت مردم در امور شهری شده است.
نتایج رتبه‌بندی محلات پیرانشهر بر اساس رویکرد مدیریت مشارکتی با استفاده از آزمون کروسکال والیس نشانگر آن است که محله ۲۴ با بیشترین میزان مشارکت شهروندی (۲۳۶/۶۶) در رتبه اول و پس‌ازآن محله‌های ۴۷ و ۴۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این در حالی است که کمترین میزان مشارکت مربوط به محله‌های ۱۴ و۳۱ است که از مناطق ناپایدار شهری هستند و عمدتاً افراد با درآمد پایین در این بخش از شهر زندگی می‌کنند. برای تحقق حکمروایی خوب شهری با نگرش مشارکتی و رویکرد شبکه‌ها ـ خوشه‌ها که بر نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و چند سطحی تأکید داشته است که در آن به نقاط جغرافیایی به‌صورت منفعل می‌نگرد مورد تأکید است در چهارچوب این نظام یکپارچگی و یا هماهنگی چندبخشی فعالیت‌های اجرایی روستایی و شهری در سطح محلی و منطقه‌ای موردنظر است و بر تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق تأکید می‌شود. بطوریکه در شکل‌گیری حکمروایی بهینه‌ی شهری بر پایه الگوی حکمرانی مردم‌سالارانه و تقویت فرهنگ تعامل و همزیستی بین کنشگران جامعه و از سوی دیگر تعلقات و حس مکانی، حقوقی، شهروندی و اجتماعی در شهروندان همراه با مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها می‌تواند نتایج مفیدی را در اداره شهری با نهادینه شدن مدیریت در سطوح مختلف، جهت بخشیدن و تقویت الگوی مدیریت شورایی بین همه نهادهای مدیریتی و در پی آن با روند پاسخ‌گویی مسئولان و مسئولیت‌پذیری همه ارکان مدیریتی شهر در اجرای عملکرد افزایش اعتماد بین کنشگران و عدالت محوری بین شهروندان را بیش‌ازپیش ساماندهی و تقویت بخشید.

پی‌نوشت

i- Lyon

ii- مثلا NGOها، سازمان‌های تجاری، بخش دولتی و...

iii- Johnson

iv- به عنوان یکپارچگی مدیریت شهری
v- ناشی از توسعه اقتصادی پیرانشهر در اثر توسعه بازارچه مرزی تمرچین
vi- پذیرش ظاهری اصل حکمروایی شهری ولی عدم اعتقاد به آن

vii- Kennedy Stewart
viii- Peris
ix- Faehnle
x- Sharifzadeh aghdam and Asghari Zamani
xi- UNDP
xii- Almudi
xiii- MC. Carney
xiv- Osziak
xv- Abdellatif
xvi- Kempen
xvii- Douglas
xviii- Gani & Duncan
xix- Putnam
xx- Osborne
xi- Andrews & Herschel

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]

فهرست منابع

۱. احمدی کرد آسیایی، ف. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری در قائم‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.

۲. آدینه وند، ع.، قدمی، م.، و حاجی‌زاده، م. (۱۳۹۱). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمروایی خوب شهری (بابلسر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۳. برک‌پور، ن. (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری (مورد: همدان اسلام‌شهر). مجموعه مقالات کنفرانس و مدیریت شهری.

۴. تقوایی، ع.، و تاجدار، ر. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳، ۴۵-۵۸.

۵. حناچی، س.، و مرادی مسیحی، و. (۱۳۸۰). شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری. وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۶. دارابی، ح. (۱۳۸۸). نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی. مجله محیط‌شناسی، ۳۵، ۵۲، ۱۱۱-۱۲۴.

۷. رجبی، آ. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری. فصلنامه آمایش محیط، ۱۲.

۸. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های ایران. (۱۳۸۷). دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران.

۹. شماعی، ع. (۱۳۸۳). توسعه اجتماعات محله‌ای و تأثیر آن بر توانمندسازی نظام مدیریت شهری. چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای. تهران: شهرداری تهران.

۱۰. شیخی، ع. (۱۳۹۳). استراتژی‌های توسعه شهر پیرانشهر با رویکرد CDS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.

۱۱. صادقی، م.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۲). تبیین ساختاری ـ کارکردی مدیریت مشارکتی شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵، ۱، ۱۶۹-۱۸۴.

۱۲. صرافی، م. (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه.

۱۳. کاظمیان، غ. (۱۳۸۶). درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری. جستارهای شهرسازی، ۱۹ و ۲۰.

۱۴. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

۱۵. ملاحسنی، ح. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی در سطح محله، نمونه موردی: محلات شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز.

16. Abdellatif, M, A. (2003). Good Governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development. Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul, 20-31, May 2003.
17. Almudi, T. (2008). Opportunities and Problems for Participatory Management in the Peixe Lagoon National Perk, Southern Brazil. Thesis for the degree of Master of Natural Resources, University of Manitoba, Canada.
18. Andrews, P., & Herschel, R. (1997). Organizational Communication: Empowerment in a Technoloogical Society. Delhi : Houghton Mifflin ,CO
19. Douglas, D. (2005). The Restructuring of Local Government in Rural Regions: A Rural Development Perspective. Journal of Rural Studies, 21, 3, 231-246.
20. Faehnle, M., & Tyrvainen, L. (2013). A framework for evaluating and designing collaborative planning. Journal Land Use Policy, 34: 332-341.
21. Gani, A., & Duncan, R. (2007). Measuring Good Governance Using Time Series. Journal of the Asia Pacific Economy, 12 , 3, 367-385.
22. Johnson, R. (2007). Toward democratic decentralization: approaches to promoting good Governance, Near East bureau. UDAID, Washington D.C, 1.
23. Kempen, R. (2000). Urban governance within the big Cities policy. Journal of Cities, 21, 1.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.6.8]

24. Kennedy, S,. (2006), Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver, Cities, 23, 3, 196-204.
25. Lyon, P. (2000). Partnership for Good Governance in the 21stCenture. Journal of Rural studies, 59, 3. 43 – 53.
26. Mc.Cartney, P., et al., (1995). Towards and understanding of Governance- the emergency of and idea and its implications for urban research in developing countries. University of Toronto.
27. Osborne, D., & Gaebler, T. (1993). Reinventing Government-How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector. USA: Plume, Penguin Books.
28. Osziak, O. (2000). Building capacity for Governance in Argentina Asia Review of public Administration, 7, 10.
29. Peris, J., Acebillo-Baque, M., & Calabiug, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environment management. The experience in Arequipa during 2003-2006. Habitat International, 35, 84-92, doi:10.1016/j.habitatint.2010.04.003.
30. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. Journal of democracy 6: 65, 67.
31. Sharifzadeh Aghdam, A., & Asgari Zamani, A. (2014). Assessing Consultative Management in the Formation of Sustainable Urban Neighborhoods (In Terms Of Environmental Aspects). International Journal of Humanities and Social Science Invention, 3, 8, 41-48.
32. UNDP (Urban Governance Index). (2002). A Tool to measure progress in achieving Good Urban Governance (Global Comparing on urban governance).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.6.8]